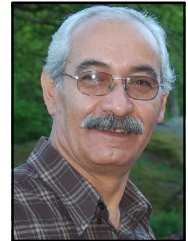


کدام جنگ مسلحانه؟



عبدال کلپریان

ایران میباشد. در رابطه با کرنش مصطفی هجری در مقابل اسرائیل و دیگر دولتها آنچه که قابل ذکر است این است که احزاب قومی کرد امروز دیگر بیش از هر زمانی بی ربطی خود به مبارزات مردم کردستان را آشکار ساخته اند.

سربرآوردن مجدد فعالیت نظامی این حزب در سال ۲۰۱۵ و بعد از بیست سال انفعال و اردوگاه نشینی، شاخ بشاخ شدن با پ ک ک در نوار مرزی و با حمایت بارزانی، ادعای شروع دور دیگری از مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و بالاخره تقاضای امروز این حزب از اسرائیل برای کمک مالی، هیچگونه سختی با مبارزات مردم و حتی با فعالیتهای سنتی و تاریخی این حزب در کردستان ایران هم ندارد.

مردم شهرهای کردستان اکنون

صفحه ۲

اخیرا مصطفی هجری دبیر اول حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه ای گفته است: "جمهوری اسلامی مبالغ زیادی علیه اسرائیل هزینه می کند و من معتقدم که تلاویو باید برای تضعیف ایران به گروه های مخالف جمهوری اسلامی کمک کند".

منظور مصطفی هجری از گروه های مخالف جمهوری اسلامی، حزب متبوع ایشان و دیگر احزاب همسو با حزب دمکرات کردستان

کمپین حمایت از حق دوچرخه سواری زنان در مریوان



نسان نودینیان

مذهبی علیه زنان قرار داد. در نظام جمهوری اسلامی دختران زیر ۵ سال بدون حجاب نمیتوانند پشت میز کلاسهای درس بنشینند، دوچرخه

صفحه ۲

۱۱). امام جمعه جلف و مسخره در مریوان! مصطفی شیرزادی این "خطیب" نمازهای روز جمعه جمهوری اسلامی در مریوان را من ۴۰ سال قبل میشناختم، انگار خیلی عوض شده و پر و بال جلف شدنش بیشتر شده. در طیف فتوا دادن و اسیر تمام قد نظام نبود. انصافا در چند سال گذشته با مردم و فعالین علیه اعدام همراه بود، با وجود اینها ملا مصطفی شیرزادی اخیرا در "مقام" خطیب در مسیر "علم الهدا" پا گذاشته است. در

محمد جراحی آزاد شد، آزادی او را به همگان تبریک میگوییم



تجزیری، و ساسان واهی و ش به شش ماه حبس، محکوم شده بودند. درمتن رای صادر شده اتهامات این فعالان کارگری "تشکیل گروه غیرقانونی مخالف نظام"، "مشارکت در فعالیت

صفحه ۲

با کمال مسرت به اطلاع میرسانیم که محمد جراحی از فعالین کارگری سرشناس در تبریز امروز ۲۶ مرداد ساعت یازده و نیم صبح پس از ۵ سال از زندان آزاد شد. آزادی محمد جراحی را به وی، به خانواده اش و به همگان صمیمانه تبریک میگوییم محمد جراحی فعال شناخته شده کارگری عضو «سندیکای نقاشان ساختمان ایران»، همچنین عضو «کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری» به دفعات

فعال سیاسی محمد عبداللهی و پنج زندانی دیگر اعدام شدند

بعد از اعدام وحشیانه حداقل ۲۰ نفر زندانی عقیدتی در ایران و بعد از اعدامهای گسترده در همه زندانها و اعدام محکوم نوجوان و زیر سن قانونی، بعد از اعدام شهرام امیری به اتهام جاسوسی، سهشنبه امروز در زندان ارومیه شش نفر را اعدام کرد.

صفحه ۶

ماشین جنایت داعش در ایران فعالانه در حرکت است و روزانه جان تعداد زیادی را قربانی میکند. حکومت طناب دار در ایران، با توجه به سکوت دولتهای غربی و اعتراض توام با صبر نهادهای بین المللی، روزانه میکشد و برای اعدامهای بیشتر در ایران زمینه چینی میکند.

سه شنبه های بدون خودرو، سه شنبه های اعتراض، جنبشی اجتماعی بر سر حق دوچرخه سواری زنان

صفحه ۳

شهلا دانشفر

۲۸ مرداد ۱۳۵۸

صفحه ۵

نسان نودینیان

اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو
وارد دهمین روز خود شد

صفحه ۶

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ کمپین حمایت از حق ...



سواری زنان هم يك مشکل اسلامی است. - مذهبی جمهوری اسلامی است. سنگسار زنان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کم نبوده و چندین زن هم در میدانهای مجازات اسلامی سنگسار شده اند، و تحمیل حجاب اجباری سیاست رسمی و ساختاری این نظام است. جمهوری اسلامی رژیم آپارتاید جنسی است. تبعیض جنسیتی و جداسازی در حیات نزدیک به ۴۰ سال حاکمیت این نظام علیه زن عمل کرده است.

مشکل امام جمعه «سونوگرافی» نیست. دوچرخه سواری زنان مریوان و جواب دندان شکن دختران و پسران دوچرخه سوار به ملا مصطفی مساله اصلی او و نیروهای جنایتکار اسلامی است.

ملا مصطفی شیرزادی حضور زن و مرد در کنار هم در اماکن عمومی را مخل «استراحت مردم» می نامد و می افزاید "وظیفه مسئولین است که جایی سرپوشیده برای آنها در نظر بگیرند و نوجوانی که بدنش از بس لطیف است دیگران در او طمع می کنند با شورت ورزش کند که نباید گذاشت و چنین چیزی درست نیست."

ملا مصطفی شیرزادی علیه حضور زنان در کمپین "سه شنبه های بدون خودرو" در خطبه نماز جمعه با اشاره به کمپین "سه شنبه های بدون خودرو" و نسبت به حضور زنان دوچرخه سوار در ملا عام هشدار داده و آن را گناه می نامد. این امام جمعه جلف میگوید: «عیب است این ران و بدنش که روی دوچرخه نمایان است این کی در دین و ایمان صحیح وجود دارد؟ اگر علاقمند است می تواند زیر نظر مربی مومن و در مکان سرپوشیده انجام دهد».

گلگشت ها ضمن ایجاد فضای شاد، رقص و موزیک فعالین فرصت جمعبندی فعالیتها را خواهند داشت. بشکل جمعی میتوانند در مورد پیشرفت و موانع «دوچرخه سواری برای زنان» صحبت بکنند. ایده های جدید و تازه را به کمپین پیشنهاد کنند و برای فضای فعالیت جمعی و گروهی تلاش آگاهانه ای انجام شود.

۵)) . هوشیاری بالا برای حفظ و تحکیم «دوچرخه سواری زنان»

مسخره بازی ملا مصطفی شیرزاد و فشار نیروهای امنیتی علیه دوچرخه سواری زنان اگر با اقدامات محکم و متحدانه مردم در شهر سنندج و مریوان جواب داده شده است، اما هوشیاری های جوانان پسر و دختر باید با پتانسیل بالایی برای جلوگیری از ایجاد شرایط سرکوب، دستگیری و ضعیف کردن کمپین حمایت از حق دوچرخه سواری زنان در مریوان در صدر وظایف ایندوره قرار خواهد گرفت.

۶)) . اقدامات

- گسترده و حفظ کمپین حمایت از حق دوچرخه سواری زنان در مریوان، جلب حمایت بیشتر مردم در سطح عمومی، در مدارس و دانشگاه ها. حمایت کارگران و خانواده هایشان از این کمپین، جلب حمایت معلمان و پرستاران. کارکنان ادارات.

- پوشش خبری از کانال میدیای اجتماعی

- جمهوری اسلامی رژیم آپارتاید جنسی است. حجاب اجباری و ممنوعیت دوچرخه سواری ارکان ساختاری این آپارتاید جنسی هستند. برگزاری سمینارهای مشترک از زنان و مردان در مورد حجاب اجباری و حق دوچرخه سواری زنان.

- گسترده شدن کمپین «سه شنبه های بدون خودرو»

- گسترده کردن دوچرخه سواری زنان و مردان

- ایجاد کارگاه های مردمی توسط جوانان به منظور آموزش دوچرخه سواری، ایمنی در هنگام دوچرخه سواری، آئین نامه و مقررات دوچرخه سواری در شهر و اماکن عمومی و.....

از صفحه ۱ کدام جنگ ...

منطقه، بدون قرار گرفتن در رقابت بین دولتهای منطقه، موضوعیت دیگری ندارند. حتی اگر روند تحولات بصورت کنونی هم نبود افق این احزاب تمکین و کرنش در مقابل دولتهای به اصطلاح خودی بود.

حزب دمکرات کردستان ایران در این زمینه پیشینه روشنی دارد. از لیبک گفتن به خمینی در مقطع انقلاب ۵۷ گرفته تا به قربانگاه بردن تنی چند از رهبرانش برای تحقق فرمانروایی بر مردم کردستان همگی گویای افق و اهداف این حزب برای کسب جایگاهی ولو ناچیز و تحقیر آمیز، کارنامه و عملکرد این حزب بوده است. شاخه جدا شده از آن بنام حزب دمکرات کردستان به رهبری خالد عزیزی بعنوان بقایای همین رویکرد حاضر است در مصالحه به هر آنچه که جمهوری اسلامی تعیین کند تن دهد.

اما آنچه که در تحولات سیاسی و اجتماعی در کردستان و در داخل ایران میتواند حرف اول را بزند و کل بساط جهنمی بیش از سه دهه جمهوری اسلامی و ظرفیت مخرب که هر يك از احزاب قومی، سلفی و یا مجاهدینی را کنار بزند، حضور قدرتمند جنبشهای اجتماعی، رادیکال و در راس آنها جنبش کارگری است. این جیشها در حال حاضر با طرح خواستها و مطالبات هر روزه خود فضای پرشور و امید بخشی را به مردم نوید میدهند. تقویت و گسترش این جیشها نه تنها رویارویی سیاسی و اجتماعی مردم در مقابل جمهوری اسلامی بلکه پاسخ کوبنده ای به احزاب و نیروهای قومی نیز هست که کوچکترین تعلقی به آرمانها و آرزوهای انسانی مردم ندارند.

دیگر بعد از گذشت بیش از سه دهه از حاکمیت ننگین اسلامی بخوبی دریافته اند که مبارزات اجتماعی آنان و اعتراضات گسترده خیابانی و اعتصابات قدرتمند آنان علیه رژیم است که میتواند ورق را برگرداند نه حضور نظامی احزاب اپوزیسیون در اردوگاهها و نوار مرزی که نقش شان خاصیت ابزاری برای کسب موقعیت خود در شکافها و رقابتهای دولتهای منطقه است.

اما کدام جنگ مسلحانه؟ برای مردم در بزنگاه انقلاب دست بردن به اسلحه و تصرف مراکز نظامی در جهت پایان دادن به دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی و به پیروزی رسانیدن انقلاب با آنچه که امروز حدکا و دیگر جریانات مسلح در سر می پروراند معنای کاملا متفاوتی دارد.

تلاشهای یکسال اخیر حزب دمکرات کردستان ایران در چهارچوب تحولات در صف بندیها، رقابتهای عربستان و جمهوری اسلامی و قرار گرفتن این جریانات بر بستر اوضاع بهم ریخته دولتها در رقابتهای منطقه ای قابل توضیح است.

با حاد شدن تقابل بین عربستان و جمهوری اسلامی، احزاب و جریانات قومی کرد در چهار بخش کردستان نیز هر يك بنا به فراخور حال و روز خود در دو سوی این جبهه ها جای گرفته اند. از آنجا که احزاب تشکیل دهنده حکومت اقلیم کردستان در سایه هر يك از این دولتها خود را باز تعریف کرده اند، حدکا نیز در بازی بالایی ها در کنار بازرانی، آل سعود، اوردوغان و اخیرا نیز اسرائیل جای خود را پیدا کرده است تا بلکه از این طریق به آرزوهای چندین دهه قبل خود جامه عمل بپوشاند.

در دنیای امروز تقلاهای حدکا و دیگر احزاب قومی کرد در

۹ اوت ۲۰۱۶

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

سه شنبه های بدون خودرو، سه شنبه های اعتراض، جنبشی اجتماعی بر سر حق دوچرخه سواری زنان



و در عوض از پیاده روی و دوچرخه سواری کنار هم لذت ببرند، بعد از چند هفته به کمپین حمایت از حق دوچرخه سواری زنان و جدالی علیه آپارتاید جنسی تبدیل شد.

ماجرای سه شنبه های بدون خودرو با ابتکار یک جوان در اراک با تشکیل یک گروه در تلگرام کلیک خورد و دامنه اش به تمام شهرها کشیده شد. این گروه مردم را تشویق میکرد که برای پاکیزه ماندن هوا، تنها در یک روز از هفته قید خودروهای شخصی شان را بزنند و از وسایل حمل و نقل عمومی یا دوچرخه استفاده کنند. با گذشت چند هفته از آغاز این حرکت «سه شنبه های بدون خودرو» شکل گرفت. دولت سعی کرد این موضوع را در دست بگیرد. سازمان محیط زیست طی نامه ای از نهادهای محیط زیست در شهرهای مختلف خواستار حمایت از این حرکت شد. نهادهای دولتی دیگر چون شهرداری ها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی، وزارتخانه های ورزش، ترافیک شهر، پلیس راهوار، شرکت واحد و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و غیره وارد ماجرا شدند. و خلاصه همه تمهیدات را دیدند تا اوضاع کنترل شده جلو رود. اما بحث وقتی داغ شد که دوچرخه سواری زنان وارد قضیه شد. زنان همراه با مردان در این روزها به خیابان ها آمدند و دوچرخه سواری کردند. بدین ترتیب داستانی که شروعش علیه الودگی محیط زیست بود، به علیه تبعیض و حق زنان برای دوچرخه سواری تبدیل شد و در این میان اوج کثافت ارتجاع اسلامی را در مقابل چشم همگان قرار داد.

به عبارت روشنتر به راه افتادن سه شنبه های بدون خودرو فرصتی شد که جنبش علیه تبعیض علیه زن، با حق دوچرخه سواری برای زنان به خیابان کشیده شود و در این سه شنبه ها، زنان دوچرخه سوار حضور چشمگیری داشتند. این چنین بود که جنبش برای حق دوچرخه سواری که اساسا جنبشی علیه تبعیض جنسی و قوانین اسلامی ضد زن است، به جنبشی اجتماعی تبدیل شد. و این موضوع به مخمضه ای جدی برای حکومت آپارتاید جنسی

اما نکته اصلی اینجاست که زنان و مردم معترض جامعه به این تبعیض و نابرابری و تحقیر آشکار زنان تن نداده و با اعتراضاتشان قدم به قدم ارتجاع اسلامی را عقب زده اند. زیر فشار این جنبش است که سوال در مورد حق دوچرخه سواری زنان، در مقابل مراجع تقلیدشان قرار گرفت و آیت الله های رنگارنگ و امام جمعه های شهرهای مختلف چون خامنه ای، صافی گلپایگانی، سبحانی تبریزی، طباطبایی نژاد، علم الهدی، سیستانی، مکارم شیرازی، بهجت، بارها و بارها علیه آن منبر رفتند. هوارشان بلند شد و با عناوینی چون «این کار شهوت آمیز و گناه است، حرام است، عارضه فساد برای جامعه است، خلاف عفت و غیرت و سنن و تعالیم اسلامی است، مستلزم ترویج فحشاء و منکرات و مفساد عظیمه است، زمینه ساز گسترش گناه در جامعه است، و اراجیف و مزخرفاتی از این دست سخن گفتند و در مقابل این جنبش شمشیر زدند و اوج ارتجاع و تحجر قوانین اسلامی شان را به نمایش گذاشتند.

این گفته ها بخشی از تلاش حکومت برای سرکوب این جنبش، جنبشی که اساسا علیه پایه های آپارتاید جنسی است، خود به مجوزی برای ریختن اوپاش حزب الله بر سر زنان دوچرخه سوار و تهدید و آزار آنان بود. اما در برابر این سرکوبگری ها و تحجر اسلامی زنان و مردان آزادیخواه ایستادند و تسلیم نشدند. از جمله امروز وقتی از هر کوی و برزنی عبور می کنیم شاهد دوچرخه سواری دختران نوجوان و دختر بچه ها در کوچه ها و محله ها هستیم. به طور مثال تا چند ماه پیش شهرداری ها به زنان دوچرخه کرایه نمیدادند و برای کرایه کردن آن باید حتما یک مرد را همراه داشتند. اما زیر فشار اعتراضات جامعه، این محدودیت کنار رفت.

سه شنبه های بدون خودرو، سه شنبه های اعتراض علیه تبعیض کمپین سه شنبه های بدون خودرو که در آن از مردم خواسته شده بود که برای داشتن هوای سالم و پاک، سه شنبه ها از خودرو استفاده نکنند



شهلا دانشگر

مساله ورزش زنان، یک عرصه مهم جدال علیه تبعیض جنسیتی علیه زنان در جمهوری اسلامی است. این جدال در عرصه های مشخصی چون حضور زنان در استادیوم های ورزشی، شرکت زنان در المپیک های جهانی، و امروز موضوع حق دوچرخه سواری زنان داغ است ابراز وجود پیدا کرده است. بر سر این موضوعات آیت الله های ریز و درشت حکومتی فتوا داده و بر قوانین آپارتاید جنسی اسلامی شان تاکید کرده اند. سالهاست که جدالی بر سر دوچرخه سواری زنان و آنها با کنار زدن حجاب بخشی از جنگ این جامعه با جدا سازی جنسیتی بوده است و نشانی از جنبش بالنده رهایی زن در ایران دارد. اما امروز با ابعاد اجتماعی تری از این حرکت اعتراضی به عنوان یک خواست مشخص علیه تبعیض علیه زن روبرویم.

نگاهی میکنیم بر ابعاد گسترده و اجتماعی جنبش برای حق دوچرخه سواری که بحث های آن نیز خود به یکی از موضوعات نزاعهای درون حکومت تبدیل شده است.

جنبش برای حق دوچرخه سواری زنان

قانونی دوچرخه سواری زنان را منع نکرده است، اما بنا بر شرع اسلام با هزار و یک آیین نامه و بخشنامه اداری ممنوعیت دوچرخه سواری زنان جاریست و یکی از محرومیت های اجتماعی زنان در ایران است. از جمله احمد سالک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس طی اظهاراتی میگوید: «دختران می توانند در مکان های سرپوشیده مثل پارک های بانوان و یا جایی که انحصاری برای خودشان است، دوچرخه سوار شوند اما در دید نامحرم و مکان های عمومی این کار حرام است و دستگاه های نظارتی ذی ربط باید با آن برخورد کنند.»

با شد و کمپینی در دفاع از زنان دوچرخه سوار شکل گرفت. از جمله روز ۱۲ مرداد دختران مریوانی با پای پیاده در کنار دوچرخه هایشان مسیر دریاچه زیبار تا شهر را طی کردند تا اعتراضاتشان را علیه تبعیض علیه زن اعلام کنند. نقطه اوج این کارزار به راه افتادن طوماری با ۱۴۰۰ امضاء و پیوستن نهادهای مختلف اجتماعی نیز به این اعتراض بود و این جنبش همچنان جریان دارد. در این نامه که خطاب به مسئولان مربوطه است، مردم معترض خواستار لغو ممنوعیت دوچرخه سواری زنان شده و به تبعیض علیه زن و این بازداشتها اعتراض شده است.

گفتنی است که دامنه این اعتراضات به سندان نیز رسید و روز سه شنبه ۱۲ مرداد در این شهر جوانان سندان زن و مرد در حمایت از حق مسلم دوچرخه سواری زنان و در حمایت از «کمپین یک دور با دوچرخه بدون خودرو» با دوچرخه هایشان به خیابان آمدند و به تبعیض جنسیتی و قوانین ضد زن نه گفتند.

پیشروی های این جنبش سه شنبه های بدون خودرو، به خیابان آمدن مردم با دوچرخه هایشان، فرصتی بود که زنان و مردان آزادیخواه به خیابان آیند و علیه یک وجه بارز تبعیض جنسیتی صدای اعتراضاتشان را بلند کنند. این اعتراض ابعاد اجتماعی پیدا کرد، چون خود حکومت بعنوان اقدامی علیه آلودگی محیط زیست به چنین روزی رسمیت داد و زنان نیز به عنوان بخشی از جامعه حق خود دانستند که با دوچرخه هایشان به خیابان بیایند و به صف دوچرخه سواران بپیوندند. و عکس العمل حکومتیان در مقابل این موضوع و فتواها و اظهارات آیت الله ها و امام جمعه ها و کشیدن پای نیروی انتظامی در تقابل با این موضوع به مساله ابعاد تعرضی تری بخود گرفت. و این چنین بود که اعتراض بر سر این موضوع که قبلا بصورت مقاومتهای فردی و یا اعتراضاتی معین در اینجا و آنجا جلو میرفت

در مریوان چه گذشت چند هفته پس از آغاز سه شنبه های بدون خود رو در مریوان نیز مثل شهرهای دیگر زنان با دوچرخه هایشان به خیابان آمدند. روز ۵ مرداد بود که دوچرخه تعدادی از زنان دوچرخه ساز سوار توسط ماموران سرکوب حکومت متوقف و چند نفری نیز بازداشت شدند. و حتی از زنان بازداشت شده تعهد گرفته شد که دیگر اقدام به دوچرخه سواری در خیابان نکنند. بعد نیز مصطفی شیرزادی، امام جمعه مسجد جامع شهر مریوان در نماز جمعه هشتم مرداد ماه طی سخنانی دوچرخه سواری زنان را گناه دانسته و از نیروهای انتظامی و امنیتی خواست که با دوچرخه سوری زنان در ملا عام مقابله کنند. در عکس العمل به این اتفاقات اعتراضات گسترده ای از سوی مردم و فعالین دفاع از حقوق زن و محیط زیستی به

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرين رمضانلی



فضای امنیتی در سنندج

به دنبال اعدام دسته جمعی دهها زندانی سیاسی عقیدتی، نیروهای امنیتی رژیم به منظور ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از اعتراضات مردم، فضای شهر سنندج را به شدت امنیتی کرده اند. علاوه بر مستقر شدن نیروهای انتظامی و لباس شخصی رژیم در نقاط استراتژیک شهر سنندج، سپاه نیروی انتظامی و بسیج رژیم نیز یک هفته آماده باش اعلام کرده اند. قابل یادآوری است، در روزهای اخیر دهها زندانی سیاسی عقیدتی در زندان رجایی شهر کرج اعدام شدند. گزارشات از اعدام ۲۰ تا ۲۵ نفر حکایت دارد.

اعدام فعال سیاسی

ارومیه: سه شنبه، نوزدهم مردادماه محمد عبدالهی زندانی سیاسی همراه با پنج زندانی دیگر در محوطه داخلی زندان "دریا" اعدام شدند.

سقز: چهارشنبه سیزدهم

مردادماه، سه زندانی محبوس در شهر سقز با حضور مقامات امنیتی و قضایی ایران اعدام شدند. اعدام دو تن از آنها با اسامی لقمان رشیدی و کاوه سهرابی در ارتباط با "خرید و فروش مواد مخدر" عنوان شده است. در همین زندان، جوان دیگری با هویت مصطفی سلیمزاده ۲۳ ساله نیز که به قصاص نفس متهم گشته بود، به دار آویخته شد.

دستگیری

بوکان: رحیم حسینی استاد دانشگاه پیام نور در شهر بوکان دستگیر شد. محمد خضرنژاد پیشمنار روستای "ناچیت" توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

مرگ کارگران کولبر

سروآباد: هجدهم مردادماه بر اثر برخورد یک دستگاه خودروی مزدا دوکابین با یک دستگاه تیوتا

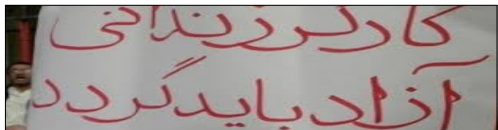
و مدیران در محل اتاق بازرگانی برگزار گردید با توجیه و ادعای اینکه هزینه نیروی کار بالا است و این امر باعث وجود بیکاری گسترده در جامعه گردیده، اعلام کرد دولت این آمادگی را دارد تا به منظور اشتغالزایی از طریق تغییر دادن شیوه تعیین دستمزد، نیروی کار ارزان قیمت را در اختیار کارفرمایان بگذارد! برنامه دولت برای جلوگیری از افزایش دستمزد سالانه کارگران حتی مطابق با نرخ تورمهای کذاتی و غیر واقعی اعلام شده توسط مرکز آمار و بانک مرکزی از ۳۷ سال پیش تاکنون به بهانه های مختلف جمله جنگ، تحریم، نبود نقدینگی، بحران اقتصادی و غیره موضوع جدیدی نیست و هر ساله تقلا کرده سیاست انجماد دستمزد را عملی نماید که این سیاستها و طرحهای ضد کارگری همیشه با اعتراضات وسیع کارگری مواجه گردیده و با امضاء ۴۰ هزار نفری طومار اعتراض به پایین بودن دستمزدها در سال ۱۳۹۱ به یک نقطه تعیین کننده رسید و بعد از آن، افزایش دستمزد بخصوص بعد از انتشار بیانیه تشکلهای واقعی کارگری در رابطه با میزان دستمزد برای سال ۹۵ به سطر بالاتر از خط فقر (۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) به یکی از اصلی ترین مطالبات کارگران و بقیه مزدبگیران تبدیل شده است. اما نشست مذکور زمینه چینی ای است که فراتر از ممانعت از افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورمی که رسماً اعلام می گردد را هدف قرار داده است. اعلامی است از طرف دولت به نمایندگی از کارفرمایان که میزان چهار برابر زیر خط فقر بودن دستمزد فعلی کارگران را هم بر نمی تابد. برای ما کارگران شاغل و بیکار که تجربه نزدیک به چهار دهه توجیه گری مقامات در تحمیل فقر و گرسنگی بر خود را داریم به خوبی و با اطمینان کامل می دانیم که دستمزد ۸۱۲ هزار تومانی کارگر هزینه گزاف و مانع از رونق اقتصادی و اشتغالزایی نیست. دزدیهای هزاران میلیاردی باندها، حقوقها و پاداشهای صدها و میلیاردها تومانی مدیران، عامل بحران اقتصادی و اخراج سازهها و بیکاری ۱۰ میلیونی و دستمزد چهار برابر زیر خط فقر هستند. برای خنثی نمودن این طرح ضد انسانی

از صفحه ۱ محمد جراحی آزاد شد..

تبلیغی علیه نظام" و "مشارکت در اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت" و نیز "توهین به رهبری" عنوان شده است. محمد جراحی نمونه بارزی از محکوم کردن فعالین کارگری، معلمان معترض و مردم معترض با احکام امنیتی است که ۵ سال از بهترین سالهای زندگی، آنها را بدون برخورداری از هیچگونه مرضی ای و در شرایطی بسیار دشوار در زندان گذراند. محمد جراحی در زندان با مشکل سرطان تیروئید روبرو شد و به این خاطر مورد عمل جراحی قرار گرفت. اما علیرغم تذکر پزشکان بعد از عمل به بیمارستان بازگردانده شد. آخرین اخبار حاکی از وضعیت جسمانی بد او به علت دادن داروی اشتباه به وی بود. علیرغم همه این فشارها محمد جراحی در زندان نیز همواره صدای آزادیخواهی و برابری طلبی بود.

بار دیگر خوشحالی خود را از آزادی او اعلام میکنیم. خوشحالی خود را از اینکه هم اکنون کارگران و معلمان که در

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۹ مرداد ۹۵
۱۹ اوت ۲۰۱۶



که قرار است با دستبندی جدید به آنچه بعد از چهار دهه چپاول برای کارگران باقی مانده است عملی گردد، با تمام توان مبارزه کنیم و صف اعتراض خود را متحدتر و مستحکم تر کنیم. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - ۱۷ مرداد ۹۵

۲۰۰ کارگر کارخانه قند گل مهر غرب کرمانشاه در آستانه بیکاری!

کارخانه قند گل مهرغرب کرمانشاه که از نظر بزرگی دومین کارخانه قند کرمانشاه است به علت عدم حمایت های دولتی در آستانه تعطیلی کامل قرار گرفت و ۲۰۰ کارگر در این کارخانه به صورت مستقیم مشغول کار هستند

زمان رسیدگی به پرونده جعفر عظیم زاده مشخص شد

وکیل جعفر عظیم زاده می گوید:

۲۸ مرداد ۱۳۵۸

نسان نودینیان

بیش از سی سال از فرمان خمینی جنایتکار، حمله نیروهای ارتش و سپاه پاسداران به کردستان میگذرد. امروز در شرایطی در مورد حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی و حماسه مقاومت رادیکال و انقلابی مردم شهرهای کردستان مینویسیم که جامعه ایران در التهاب اعتراضات توده ای علیه گرانی و فقر قرار گرفته است. دوره جدیدی از اعتراضات توده ای و کارگری در منطقه خاورمیانه شروع شده است. مردم دنیا سرنگونی دیکتاتورها را یکی پس از دیگری دیدند. در این بخش از این مطلب به جایگاه و موقعیت سیاسی ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ میپردازم. در ادامه و مطلب دیگری، خطاب به نسل جوان و مردم شهرهای کردستان ایران چند نکته از جمله جمعبندی تجارب و آمادگی برای سازماندهی و تعرض توده ای در شهرها در شرایط کنونی را برمی شمارم.

در ایران انقلاب عظیم و توده ای شکل گرفته بود. خواست و مطالبات مردم ایران در این انقلاب از محلات حاشیه شهرهای تهران و مبارزه با پلیس امنیتی و ساواک رژیم پهلوی شکل گرفت. مردم کردستان در انقلاب ۵۷ با هم سرنوشتی سیاسی و در راستای مبارزات مردم در دیگر شهرهای ایران فعالانه شرکت کردند. فضای سیاسی و اعتراضی و وجود احزاب سیاسی (در بدو انقلاب ۵۷ هر چند ضعیف) جامعه کردستان را به محلی پرتلاطم و کشمکش سیاسی و انقلابی تبدیل کرده بود. در انقلاب ۵۷ و بعد از آن توده های مردم کردستان بسرعت مسلح شدند. در بیشتر شهرها و مناطق روستایی شرایط برای حاد شدن اختلافات طبقاتی و دعوا بر سر زمین و جلوگیری از اجحافات و زورگویی های مالیکن و فئودالها، ایجاد شده بود. در بطن چنین وضعیتی در حالیکه فضای سیاسی در میان مردم و زحمتکششان رو به اوج و گسترش بود، مالکین و فئودالها همراه با مرتجعین محلی و با کمک آیت الله های جمهوری اسلامی سعی در اسلامی کردن و ارتجاعی کردن شهرها را داشتند. هدف آنها

جلوگیری از فضای باز سیاسی و دمکراتیکی بود که رو به رشد بود. هدف مالکین و ارتجاع محلی جلوگیری و سد کردن تعرض دهقانان و تلاش برای باز گرداندن ارتجاع دولتی و حکومتی و آوردن جمهوری اسلامی با ارتش و سپاه و زندان و دادگاههایش بود. اهداف شوم و سیاهی که با مقاومت و سد محکم انقلابیون رادیکال و مردم شهرها بویژه زنان و جوانان روبرو شد. و برای مدتی طولانی ناکام ماند.

در دل چنین اوضاع معین سیاسی بود که گرایش اجتماعی و چپ و رادیکال در کردستان بعنوان تداوم انقلاب ۵۷ و در تقابل با ارتجاع تازه به قدرت خزیده اسلام رزمنده تر و رادیکالتر به میدان آمد. جمهوری اسلامی در تقابل با این وضعیت ابتدا تلاش کرد از میان مرتجعین محلی واحدهای سپاه پاسداران را بسیج کند و در عین حال به دوائر ارتجاعی چون مکتب قران مفتی زاده متکی شود، این تلاشها به شکست انجامید و سرانجام بعد از کسب آمادگی به جریان چپ و رادیکال با توپ و تانک و هواپیما و اعزام نیروهای سرکوبگر ارتش و حزب الله و میرغضب و جلاذ جواب داد. خمینی جنایتکار فرمان حمله به کردستان را صادر کرد.

در ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۵۸ با اجرای فرمان خمینی ارتش و نیروهای جمهوری اسلامی به کردستان حمله کردند، و موجی از کشتار و ترور، قتل عام و وحشیگری، اعدام دسته جمعی، زندان و آوارگی را به کردستان آوردند. دادگاه های انقلاب اسلامی و صحرانی توسط فرستاده و جلاذ نور چشم امام، خدخالی، در سنج، میروان و سقز و پاوه برپا شد.

در سرآغاز این یورش همراه ده ها تن از رفقای کمونیست و از جمله رفقای جانباخته فواد مصطفی سلطانی، عطا رستمی، صدیق کمانگر، رثوف کهنه پوشی، موسی شیخ الاسلامی و عبدالله نودینیان و ده ها جانباخته کمونیست و انقلابی در جنوب کردستان نیروی مسلح و پارتیزانی سازماندهی شد. در سرآغاز این یورش وحشیانه در حالیکه خودمان را برای مقاومت و سازماندهی تعرض به جمهوری اسلامی آماده میکردیم، درست بعد از چند ساعت جلسه جمعی در

ارتفاعات سرشیو میروان با رفیق فواد و رفتن او به مناطق شمالی جهت هماهنگی با نیروهای مسلح کومه له در شمال کردستان، در یک درگیری نابرابر رفیق فواد مصطفی سلطانی در تاریخ ۹ شهریور ۵۸ در روستای بسطام میروان جانباخت. فواد مصطفی سلطانی بعد از قیام ۵۸ در حالیکه بعد از چهارسال زندانی در زندانهای ساواک تحت تاثیر مبارزات مردم از زندان آزاد شده بود، بعد از قیام ۵۷، در شهر میروان همراه با تعدادی از فعالین کمونیست از جمله رفیق جانباخته حسین پیرخضری و عبدالله دارابی اتحادیه دهقانان را سازماندهی کردند. ما از جمله رفقای جانباخته عطا رستمی، رثوف کهنه پوشی، موسی شیخ الاسلامی و عبدالله نودینیان بعد از مدت کوتاهی به این تشکل پیوستیم. طرح ایده برجیدن مقر سپاه پاسداران که در ۲۳ تیرماه عملی شده بود و اولین تعرض سازمانیافته علیه جمهوری اسلامی بود، اولین بار توسط عطا رستمی در یک جلسه مشترک در اطراف روستای خاو - میرتاوا به بحث گذاشته شد. فواد همراه ما به شهر برگشت و سپس عازم بانه و شهرهای دیگر بود. تشکل اتحادیه دهقانان و نیروی مسلح آن بعدها هسته اصلی تشکلی اولین واحدهای نظامی (پیشمرگ) کومه له شد.

با شروع جنگ مسلحانه، مقاومت و مبارزات توده ای در شهرهای کردستان، شکل گرفت و بطور وسیع و سریع در سراسر کردستان تبدیل به درگیری و تظاهراتهای خیابانی و ایجاد عدم مقامات دولتی و حکومتی جمهوری اسلامی شد. جنبشی نیرومند علیه جمهوری اسلامی در شهرها شکل گرفت. جنبش و مبارزات توده ای که طی سه ماه توانست شیرازه نیروهای سرکوبگر را از هم بپاشد و بار دیگر شرایط دمکراتیک و حاکمیت توده ای مردم در شهرها را جایگزین حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی بکند. در دل چنین فضای سیاسی و مبارزاتی بود که مجددا شهرها را تصرف کردیم. شهرهای میروان و سنج با همکاری مبارزین و مردم شهر از ما نیروهای مسلح کومه له استقبال وسیع و گرمی بعمل آوردند. شهر

از صفحه ۳ سه شنبه های بدون خودرو...

ابعادی اجتماعی و خیابانی بخود گرفت. این اتفاق تا همین جا درس ها و دستاوردهای مهمی برای جنبش رهایی زن و اساسا برای کل جامعه داشته است. این جنبش ضربه ای به وجه بارزی از تفکیک جنسی در جامعه است که کل بساط آپارتاید جنسی را نشانه می رود. مهم است که به این جنبش پیوندیم. جنبش دفاع از زنان دوچرخه سوار را باید در تمام شهرها تقویت کرد. وسیعا به این جنبش پیوندیم و از آن حمایت کنیم. سه شنبه های بدون خودرو را در همه جا به سه شنبه های دفاع از دوچرخه سواری زنان تبدیل کنیم. ***

تحت حاکمیت و کنترل سیاسی - امنیتی ما بود. بیش از سی سال از این تاریخ گذشته است. جامعه کردستان تغییرات اساسی را بخود دیده است. احزاب سیاسی مختلفی رشد کرده اند و آزمایشات سیاسی و تندبیهیهای سیاسی مهمی را به نمایش گذاشته اند. بافت طبقاتی و اجتماعی جامعه هم تغییر کرده است. طی این مدت مبارزات کارگری در شکل اعتصابات و مراسمهای اول ماه مه، مراسمهای روز جهانی زن و فستیوال کودکان فضای سیاسی جامعه را شکل داده است. مبارزات توده ای زنان و جوانان علیه حاکمیت ننگین و کثیف جمهوری اسلامی در شهرها، در شکل مطالبات کارگران در دفاع از حق آزادی تشکل و اعتصاب و بیان و تجمع و حقوق پایه ای مردم زحمتکش در ابعاد وسیعی کشمکش و رو در روئی علنی و سازمانیافته اما پراکنده مردم و دولت و رژیم اسلامی، میباشد. گرایش کمونیستی و کمونیسم کارگری در شهرهای کردستان در سی سال گذشته در سازماندهی جنبش های برگزاری اول ماه مه و مراسمهای روز جهانی زن نقش برجسته و قابل ملموس و موثری دارد.

۲۸ مرداد و حمله جنایتکارانه ارتش و سپاه پاسداران به کمک مزدوران محلی به کردستان برگ ننگینی از کارنامه سرتاپا جنایت و

سرنگون باد جمهوری اسلامی.

زنده باد سوسیالیسم.

اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو وارد دهمین روز خود شد

اعتصاب و تحصن ۴۰۰۰ کارگر ایران ترانسفو زنجان که از چهارم مرداد شروع شده همچنان ادامه دارد. روز پنجم مرداد کارگران در محوطه شرکت دست به راهپیمایی زدند و اتحاد و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند. کارگران به کوچک سازی کارخانه که به معنی اخراج بسیاری از آنها است و شرایط کاری و کاهش مزایای شغلی خود اعتراض دارند.

شورای اسلامی و عوامل حکومتی سعی کردند با شعارهای انحرافی مثل ایران ترانسفو متعلق به زنجان است و الله اکبر و صلوات فضای اعتراض را منحرف کنند و تصویری عقب مانده از کارگران بدهند. کانال تلگرام کمپین در حمایت از اعتصاب کارگران را نیز از دست کارگران خارج کرده و بلافاصله

خبر جعلی پایان اعتصاب را در این کانال منعکس کردند تا جلوی همبستگی با کارگران اعتصابی را بگیرند و اعتصابیون را متزلزل کنند. ۲۰۰۰ نفر از کارگران بلافاصله از این کانال خارج شدند و با انتشار خبر ادامه اعتصاب این توطئه را خنثی کردند و بر تحصن هزار نفر امروز خود تاکید کردند. یکی از کارگران به نمایندگی از این اعتصاب اعلام کرد که مبارزه را تا

حصول نتیجه نهایی ادامه میدهم و چنانچه به خواست هایمان بی توجهی کنند روز شنبه ۱۶ مرداد اعتراض گسترده تری را شکل خواهیم داد. یکی دیگر از کارگران اعتصاب گفته است که سرویس ها را حذف کرده اند و متحصنین برای آمدن به شرکت با پای پیاده و با ماشین های شخصی و آژانس این مسیر را طی می کنند. درب توالی ها، سلف غذاخوری و سالن های مختلف کارخانه را نیز قفل کرده اند. علیرغم این فشارها و توطئه ها، کارگران به اعتصاب ادامه میدهند و تحصن و تجمع خود را در محوطه باز کارخانه و در محل پارکینگ ها برپا میکنند. یکی دیگر از کارگران میگوید خصوصی سازی ایران ترانسفو که یکی از بزرگترین شرکت های صنعت برق میباشد باعث شده تا میزان تولید ما در یکی دو سال

گذشته به شدت افت کند و حتی به کمتر از ۲۰ درصد میزان قبلی برسد و این زنگ خطری برای حیات این مجموعه بزرگ است. میخواهند با نحوه تقسیم سهام و بازی های بورسی صاحب شرکتی با این سرمایه هزار میلیاردی شوند.

کارگران ابزارهای مهمی برای جلب همبستگی و تحکیم اتحاد خود دارند. برگزاری مجمع عمومی هر روزه برای تصمیم جمعی در مورد ادامه مبارزه و تشویق خانواده ها به شرکت در تحصن و برپایی چادر در مرکز شهر، شبیه تجربه موفقی که کارگران معدن سنگ آهن بافق در تابستان ۹۳ داشتند، از جمله اشکال مطلع کردن مردم شهر و جلب همبستگی آنها و خنثی کردن توطئه های مختلف علیه کارگران میباشد.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از مبارزه کارگران ایران ترانسفو و خواست های بحق آنها، مردم زنجان و مراکز کارگری در سراسر کشور را فرامیخواند به هر شکل که میتوانند با این کارگران اعلام همبستگی کنند. حزب خانواده های کارگران را فرامیخواند فعلا نه به میدان بیایند و قدرت خود را به نمایش بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مرداد ۱۳۹۵
۳ اوت ۲۰۱۶

کارگران ایران ترانسفو به اعتصاب و تظاهرات ادامه میدهند
جمهوری اسلامی
به حربه اخراج و دستگیری متوسل شده است

حمایت سازمان داده اند از کارخانه اخراج شده و حق شرکت در تجمع اعتراضی کارگران از آنها سلب شده است.

علاوه بر دستگیری و اخراج کارگران، یکی از ارگان های سرکوب حکومت، کانال تلگرامی که کارگران برای انتشار اخبار اعتراض خود سازمان داده بودند را از دست کارگران خارج کرده و در اولین اقدام خود دست به انتشار خبر جعلی پایان اعتصاب زده است، اما کارگران به اشکال مختلف و هرروزه فیلم و عکس و گزارش اعتراض خود را منعکس میکنند و همچنان بر اعتصاب و ادامه مبارزه خود پافشاری میکنند. امروز در دهمین روز اعتصاب، یک روز پس از دستگیری و اخراج همکارانشان، کارگران اعتصابی توفنده تر و پرشورتر از روزهای دیگر در محوطه کارخانه راهپیمایی کردند و شعار دادند و اعلام کردند مومنی (از مدیران شرکت) را فراری میدهم و تا آخر برای تحقق مطالبات خود ایستاده ایم. کارگران اعتصابی اعلام کرده اند که روز شنبه ۱۶ مرداد اعتراض بزرگتری سازمان خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری اقدامات سرکوبگرانه حکومت را شدیداً محکوم میکند و از اعضای خانواده های کارگران میخواهد مانند همسران کارگران معدن آهن بافق به میدان بیایند، در تجمع کارگران بویژه در روز شنبه ۱۶ مرداد شرکت کنند و در مرکز شهر با برپایی چادر و هر شکل دیگری که ممکن میدانند مردم آزاده شهر را به همبستگی با کارگران اعتصابی تشویق کنند. حزب از جوانان و مردم معترض شهر میخواهد کمیته ها و جمع های همبستگی با کارگران اعتصابی تشکیل بدهند، مردم را به حمایت تشویق کنند و اخبار و گزارشات این اعتراض بزرگ و شکوهمند را هرچه بیشتر منعکس کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مرداد ۱۳۹۵
۴ اوت ۲۰۱۶

فعال سیاسی ... از صفحه ۴


محمد عبداللهی زندانی سیاسی اهل بوکان از بند ۱۲ کامران پورفت اهل پیرانشهر توحید پورمهدی اهل ارومیه امیر عزیزی جهانگیر رضوی زاده اهل ارومیه

برادر محمد عبداللهی نیز بدلیل فعالیت سیاسی زندانی حکومت اسلامی است و به ۱۸ سال زندان محکوم شده است. این حکومت اسلامی ایران است که با همین اعدامها نفس میکشد.

برای مقابله فعالانه با این دستگاه جنایت و آدم کشی وظیفه همه ما است که دست به اعتراض بزنیم کمیته بین المللی علیه اعدام از امروز مجموعه اقداماتی را در سراسر جهان در دستور فعالین علیه اعدام و شبکه جهانی علیه اعدام قرار داده و از همه مردم در ایران و در دنیا دعوت میکنند به این آدمکشی حکومت اسلامی اعتراض کنند. جلوگیری از این فجایع وظیفه همه ما است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۹ اگوست ۲۰۱۶

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، نسیب بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



کمکهای مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

مجید آرزوی و آقای حمیدی
سهراب سیاهش
علا فرهادپور
بهرام کلاه زری
حیدر گوپلی
محمد آسنگران

۲۵۰ دلار
۱۰۰ دلار
۱۰۰ دلار
۱۰۰ دلار
۱۰۰ یورو
۱۰۰ یورو

حقوق ما ۱ میلیون
خط فقر ۳ میلیون



تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!